Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنه حقوق الانسان الاسلامیه فی ایران



تجاوزاسرائیل به ایران ؛ چالش‌های حقوقی و پیامدها

(از مجموعه آثار حقوقی بین المللی در مورد تجاوز ۱۲ روزه به ایران)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

رژیم صهیونیستی سالهاست از ارتکاب هر گونه جنایت و اقدام غیر انسانی دریغ نمی ورزد. در همین راستا در چند دهه حیات نامشروع خود بارها به کشورهای مختلف تجاوز نموده و حقوق ملتهای گوناگون را نقض کرده است . در ادامه سوابق ننگین گذشته، در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ این رژیم اشغالگر و نامشروع به ایران تجاوز و اقدامات غیر انسانی متنوعی را مرتکب گردید. در روزهای پایانی تجاوز اخیر، دولت آمریکا نیز به رهبری ترامپ به متجاوز اولیه پیوست و مستقیما برخی از مراکز هسته ای ایران را بمباران کرد. در قبال این وقایع تلخ، ملت‌های مختلف در سراسر دنیا مراتب انزجار خود علیه متجاوزان و حمایت از ملت مظلوم و سربلند ایران را اعلام کردند. در کنار این واکنش‌های افکار عمومی در سطح جهانی، حقوقدانان از مناطق مختلف دنیا نیز اظهار نظرهایی داشتند و آثار حقوقی در این مورد ارائه کردند. به طور طبیعی همه اعلام نظرها در خدمت حق و عدالت نبود و تعدادی از نظردهندگان خدمات دهی به متجاوزان و زورگویان را پیشه کردند. در میان آثاری که به طور نسبی، مستقل به موضوع تجاوز مذکور پرداختند، موارد مهم تر را امور پژوهشی کمیسیون برای برگردان به فارسی انتخاب کرد که مقاله مندرج دراین گزارش نیز در زمره آنهاست.

نویسنده از جمله پژوهشگران حقوقی بین المللی است که سایت اینترنتی با تمرکز بر مطالعات حقوق بین الملل شکل داده و معمولا در قبال موضوعات مختلف رویدادهای مهم جهانی نوشتارهای تحلیلی مفصل از منظر حقوق بین الملل منتشر می کند . از جمله نکات در خور توجه مربوط به فعالیت های آقای سانتوس این است که اولا با فوریت بعد از رویدادهای مهم جهانی نوشتاری از زاویه حقوق بین الملل منتشر می کند. ثانیا قلم تفصیلی نویسی دارد و معمولا در هر موضوعی که یادداشتی ارائه می کند تلاش دارد تا بحث نسبتا مشروحی را ارائه کند . نوشتاری که در گزارش حاضر ارائه شده در همان روزهای آغاز جنگ ۱۲ روزه و تجاوز اسرائیل منتشر گردیده است. بنابر این چون هنوز دولت آمریکا مستقیم به تجاوز علیه ایران ملحق نشده بود و به صورت غیر مستقیم جنایات اسرائیل را پشتیبانی می کرد در این نوشتار سخنی در مورد تجاوز آمریکا مطرح نشده است. بعدا که دولت آمریکا نیز مستقیماً وارد جنگ علیه ایران شد نویسنده در یادداشت جداگانه ای به نقد وبررسی اقدام آمریکا نیز از منظر حقوق بین الملل پرداخت. نویسنده در این نوشتار صراحتا اذعان کرده که تجاوز اسرائیل به ایران از منظر حقوق ناظر به توسل به زور هیچ مبنای قابل قبولی نداشته است هم چنین در خلال جنگ نیز طرف متجاوز به شکل های متنوع قواعد مختلف حقوق مخاصمات را نقض کرده و با این رویکرد در واقع نظام مبتنی بر منشور ملل متحد را لگد مال ساخته است که می تواند پیامدهای متعدد تخریبی در برداشته باشد. نویسنده موارد متعددی از پیامدهای مخرب را در این مقاله تبیین کرده است.نویسنده این نکته را نیز برجسته ساخته که متاسفانه در سطح جهانی سازوکارهای موثری برای

تضمین اجرای موازین بین المللی وجود ندارد و همین امر موجب شده بی‌کیفرمانی این قبیل جنایتکاران با اتکای به حمایت همه جانبه قدرت های حاکم بر جامعه بین المللی ادامه یابد.

طبیعتا این قبیل بحث های فنی از سوی کارشناسان مسلط به موضوع قابل نقد و بررسی است تا نقاط قوت وضعف آن‌ها مشخص شود. عجالتا بنا بر نقدو ارزیابی متن نبود ولی در عین حال امور پژوهشی کمیسیون مازاد بر انعکاس امانتدارانه برگردان فارسی اصل متن، با افزودن برخی توضیحات در زیر نویس یا افزودن برخی کلمات داخل براکت [ ] و درج اصل کلمات انگلیسی برخی اصطلاحات و مفاهیم خاص در ذیل هر صفحه تلاش کرد تا مخاطبان محترم دقیق تر نوشتار ارائه شده را ادراک نمایند.

با امید به اینکه مخاطبان ارجمند آگاهی های خود را در خصوص حقوق ملی و انسانی جامعه خویش ارتقا بخشند و با حساسیت و خودباوری لازم نسبت به دفاع و صیانت از این حقوق نهایت تلاش و مشارکت را مبذول دارند و مجموعه این تلاش‌های فراگیر موجب شود تا هر چه سریعتر متجاوزان به ایران در معرض اجرای عدالت قرار گیرند و خسارات ناشی از صدمات وارده به کشورمان و حقوق قربانیان جنایات ارتکابی در حد ممکن استیفا گردد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

شهریور ۱۴۰۴

♦ نویسنده: اِدمار وِرسون آ. سانتوس، پژوهشگر حقوق بین الملل و موسس سامانه اینترنتی دیپلماسی و حقوق با تمرکز بر مطالعات حقوق بین الملل

♦ترجمه انگلیسی به فارسی و نکات توضیحی افزوده بر متن: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، تابستان۱۴۰۴

♦ماخذ : سامانه دیپلماسی و حقوق (diplomacyandlaw.com)،ژوئن ۲۰۲۵

♦ شناسه متن : ۰۴/۲/۲۱۲

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا بازنشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

متن مقاله:

عملیات [تجاوزاسرائیل به ایران با عنوان] «شیرِ خیزان»[1]: چالش‌های حقوقی و پیامدها

نوشته اِدمار وِرسون آ. سانتوس،پژوهشگر حقوق بین الملل و موسسه سامانه مطالعات حقوق بین الملل با عنوان دیپلماسی و حقوق

(نشر در ژوئن ۲۰۲۵ برابر با خرداد ۱۴۰۴)

عملیات «شیر خیزان» نشان‌دهنده تشدید قابل‌توجه تحولات مربوط به مخاصمات در خاورمیانه است که با حملات هوایی اسرائیل به ایران در ژوئن ۲۰۲۵ آغاز شد. این عملیات که در تاریخ ۱۳ ژوئن کلید خورد، زیرساخت‌های کلیدی ایران، از جمله پایگاه‌های نظامی، تأسیسات توسعه هسته‌ای و سایت‌های مشکوک موشکی[2] را هدف قرار داد. تهاجم مذکور ظرف چند ساعت واکنش تلافی‌جویانه ایران را برانگیخت و یکی از شدیدترین رویارویی‌های مستقیم میان دولت‌ها در منطقه را از زمان جنگ خلیج [فارس] شعله‌ور ساخت.

هدف اعلام‌شده این عملیات، خنثی‌سازی تهدیدی بود که اسرائیل آن را ناشی از پیشرفت توانمندی‌های هسته‌ای ایران و قریب‌الوقوع می‌دانست. مقامات اسرائیلی این حملات را ضرورتی دفاعی برای حفظ امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای توصیف کردند. با این حال، مقیاس، زمان‌بندی و اهداف عملیات «شیر خیزان» نگرانی‌های جدی را در خصوص قانونی بودن آن بر اساس حقوق بین‌المللی ایجاد کرده است. تلفات غیرنظامی در ایران، از جمله آسیب به بیمارستان‌ها و مراکز رسانه‌ای، منجر به طرح اتهاماتی مبنی بر استفاده نامتناسب از زور و نقض اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی شده است.

این مقاله عملیات «شیر خیزان» را با تکیه بر استانداردهای حقوقی بین‌المللی حاکم بر دو حوزه «حقوق ناظر به توسل به زور[3] و «حقوق حاکم بر رفتار در مخاصمات[4]» به شکلی انتقادی بررسی می‌کند. این نوشتار با تحلیل عملیات

---

۱. Rising Lion Operation

توجه داشته باشیم که جنایتکاران، معمولا برای پوشش ناتوانی های خود و ایجاد ارعاب بر مخاطبان و توجیه قلدرمابی خویش از نام های بی بنیان بر خود و اقدامات جنایت بار خویش بهره می برند، چنانچه اشغالگران گرگ صفت و درنده خو در سرزمین های اشغالی فلسطین عنوانی کذب بر عملیات خود علیه ایران گذاشته اند. تکرار این عنوان در مقاله حاضر احتمالا مورد آزار دهنده ای برای هر مطالعه کننده متن است. (توضیح افزوده بر متن)

۲. Suspected missile sites

۳. Jus ad bellum

مذکور از منظر رویه‌های حقوقی، واکنش‌های بین‌المللی و اصول بنیادین منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های ژنو[۱۹۴۹]، در پی ارزیابی مشروعیت آن و واکاوی پیامدهای گسترده‌تر آن برای نظم بین‌المللی و حاکمیت قانون است.

حقوق ناظر به توسل به زور: مشروعیت استفاده از نیروی نظامی

چارچوب حقوقی حاکم بر استفاده از زور میان دولت‌ها، مبتنی بر بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد است که تهدید به استفاده از زور یا کاربرد آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی را ممنوع می‌سازد. عملیات «شیر خیزان» که توسط اسرائیل علیه ایران اجرا شد، پرسش‌های فوری و مهمی را در خصوص توجیه‌پذیری آن در چارچوب «حقوق ناظر به توسل به زور» مطرح می‌کند؛ به‌ویژه در رابطه با ادعاهای دفاع مشروع، دکترین دفاع پیش‌دستانه و احتمال طبقه‌بندی این اقدام به عنوان «عمل تجاوزکارانه».[۵]

دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل

اسرائیل برای توجیه اقدامات خود به ماده ۵۱ استناد نموده و به تهدید وجودی ناشی از توسعه هسته‌ای شتاب‌یافته ایران و حضور نیروهای نیابتی متخاصم در نزدیکی مرزهای خود اشاره کرده است. طبق حقوق بین‌الملل، یک کشور در صورت مواجهه با حمله مسلحانه یا مواجهه با حمله قریب‌الوقوع، می‌تواند با زور پاسخ دهد. با این حال، اصل ضرورت ایجاب می‌کند که هیچ وسیله جایگزینی برای مقابله با تهدید [به جز کاربرد زور] در دسترس نباشد و پاسخ باید متناسب با میزان خطر باشد.

در این مورد، هیچ حمله مسلحانه قابل تأییدی از سوی ایران مستقیماً قبل از حملات[اسرائیل] صورت نگرفته است. علاوه بر این، گزارش‌ها حاکی از آن است که مذاکرات بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مقامات ایرانی هنگام شروع عملیات هنوز در حال انجام بوده است. این امر، پایه قانونی اتکای اسرائیل به ماده ۵۱ را تضعیف می‌کند. ایران در مکاتبات خود با شورای امنیت سازمان ملل متحد، استدلال کرد که حمله اسرائیل بدون دلیل بوده و یک اقدام تجاوزکارانه غیرقانونی محسوب می‌شود.

دفاع از خود پیش دستانه[۶] و استاندارد [تهدید] قریب‌الوقوع[۷]

---

۴. Jus in bello
۵. Act of aggression
۶. Anticipatory Self-Defence

دکترین دفاع خود پیش دستانه – پیش دستی اقدام در مقابل حمله قریب‌الوقوع قبل از وقوع آن - همچنان یک مفهوم بحث‌برانگیز است. در حالی که برخی از کشورها، از جمله ایالات متحده و اسرائیل، از تفسیر گسترده‌تری حمایت می‌کنند،حقوق بین‌الملل عرفی و اکثر تحقیقات حقوقی هنوز آستانه بالایی را در مورد قریب‌الوقوع بودن الزامی می‌دانند. پرونده کارولین (۱۸۳۷)[۸]، که اغلب به عنوان منشأ این اصل ذکر می‌شود، آن را به عنوان یک "ضرورت فوری و قاطع"[۹]بدون فرصت زمانی برای تأمل[بیشتر] تعریف می‌کند.

به نظر نمی‌رسد عملیات شیر خیزان این استاندارد را برآورده کند. تحلیلگران خاطرنشان می‌کنند که در حالی که برنامه هسته‌ای ایران ممکن است نگرانی‌های امنیتی مشروعی را ایجاد کند، هیچ مدرک روشنی از یک حمله قریب‌الوقوع ارائه نشده است. مقامات اسرائیلی این عملیات را بر اساس محاسبات راهبردی [خود] به جای تهدیدات فوری بنا نهادند، که چارچوب قانونی را از دفاع از خود به جنگ پیش دستانه یا حتی پیشگیرانه[۱۰]تغییر می‌دهد – موضعی که توسط اکثر تفاسیر حقوق بین‌الملل پشتیبانی نمی‌شود.

تجاوز و کاربرد زور یکجانبه

طبق اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، اگر دولتی از نیروی مسلح برخلاف منشور سازمان ملل استفاده کند، می‌تواند به جرم تجاوز در معرض پاسخگویی قرار گیرد. با توجه به اینکه این حملات بدون مجوز شورای امنیت و در غیاب یک حمله مسلحانه پیشین انجام شدند، «عملیات شیر خیزان» می‌تواند در این دسته جای گیرد. صاحب‌نظران حقوقی همچون «داپو آکانده»[۱۱]و «مارکو میلانویچ»[۱۲]خاطرنشان کرده‌اند که چنین اقدامات نظامی یک‌جانبه‌ای، اصول امنیت جمعی را تضعیف کرده و رویه‌ای خطرناک برای روابط بین‌الملل ایجاد می‌کنند.

سازمان ملل متحد هیچ گونه استفاده از زور علیه ایران را مجاز ندانسته است. علاوه بر این، چندین کشور - از جمله اعضای جنبش عدم تعهد و نهادهای حقوقی اروپایی - این عملیات را غیرقانونی خوانده و محکوم کرده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری هنوز در این مورد حکمی صادر نکرده است، اما محکومیت قانونی و اخلاقی آن، منعکس کننده وضعیت مورد مناقشه این عملیات در چارچوب [مجموعه قواعد] حقوق ناظر به توسل به زور است.

---

۷. Imminence Standard
۸. The Caroline case (1837)
۹. Instant overwhelming necessity
۱۰. preemptive or even preventive war
۱۱. Dapo Akande
۱۲. Marko Milanović

حقوق حاکم بر رفتار در مخاصمات: نحوه اقدام طرف های مخاصمه

در حالی که حقوق ناظر به توسل به زور به [بیان ضوابط و شرایط] مشروعیت توسل به زور می‌پردازد، حقوق حاکم بر رفتار در مخاصمات - که به عنوان حقوق بین‌الملل بشردوستانه[۱۳]نیز شناخته می‌شود - نحوه استفاده از زور را پس از شروع درگیری تعیین می‌کند. بنابراین، عملیات شیرخیزان باید تحت اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارزیابی شود: تفکیک، تناسب، ضرورت نظامی و احتیاط.[۱۴]این قواعد عمدتاً در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آنها و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی تدوین شده‌اند.

تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان

اصل تفکیک، همه طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند که در هر زمان بین رزمندگان و غیرنظامیان و بین اهداف نظامی و اشیاء غیرنظامی تمایز قائل شوند. طبق گزارش‌ها، در جریان عملیات «شیرِ خیزان»، حملات هوایی اسرائیل زیرساخت‌های نظامی، از جمله پایگاه‌های سپاه و تأسیسات راداری، و همچنین اماکن غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، یک دانشگاه در اصفهان و یک مرکز پخش تلویزیون دولتی را هدف قرار داد.[۱۵]

طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حملات باید منحصراً به اهداف نظامی راهبری شوند. اهداف غیرنظامی فقط در صورتی می‌توانند به طور قانونی هدف قرار گیرند که برای اهداف نظامی استفاده شوند و تخریب آنها مزیت نظامی مشخصی را ارائه دهد. تحقیقات مستقل- از جمله بیانیه‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ - نشان داد که شواهدی وجود ندارد حاکی از اینکه برخی از اماکن غیرنظامی مورد هدف، وضعیت حفاظت‌شده خود را تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از دست داده‌اند. این امر نگرانی‌های جدی را در مورد نقض اصل تفکیک ایجاد می‌کند.

تناسب و خسارات جانبی

حتی زمانی که یک هدف مشروع باشد، اصل "تناسب" حملات را در صورتی که آسیب تصادفی مورد انتظار به غیرنظامیان[۱۶]در مقایسه با مزیت نظامی ملموس و مستقیم پیش‌بینی‌شده بیش از حد باشد، ممنوع می‌کند. طبق منابع

---

۱۳. International Humanitarian Law (IHL)

۱۴. Distinction, proportionality, military necessity, and precaution

۱۵. توضیح افزوده بر متن: نویسنده می توانست فهرست مفصلی از اماکن و اهداف غیر نظامی که مورد بمباران متجاوز قرار گرفته و جملگی جنایت جنگی هستند را ذکر کند تا ابعاد گسترده نقض موازین بین المللی و جنایت بهتر منعکس گردد اما به چند مورد (البته به عنوان مثال) بسنده کرده است.

۱۶. Expected incidental civilian harm

معتبر، تلفات ایران از ۲۲۰ نفر، از جمله تعداد زیادی غیرنظامی، فراتر رفت. زیرساخت‌های کلیدی در تهران، شیراز و اصفهان به شدت آسیب دیدند. در مقابل، اسرائیل خسارت مستقیم کمی را از تلافی ایران گزارش کرد.

مقیاس تخریب ناشی از حملات اسرائیل، به دلیل بیش از حد بودن آن نسبت به هرگونه تهدید یا دستاورد نظامی اثبات‌شده، انتقاداتی را برانگیخته است. در حالی که اسرائیل ادعا می‌کرد تخریب سایت‌های مشکوک هسته‌ای برای به تأخیر انداختن جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران ضروری بوده است، صاحبنظران حقوقی استدلال می‌کنند که چنین منطقی، تلفات غیرنظامی ناشی از آن را تحت معیار تناسب مقرر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه توجیه نمی‌کند.

احتیاط در حمله

طرفین متخاصم باید تمام اقدامات احتیاطی ممکن را برای جلوگیری یا به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان انجام دهند. این شامل انتخاب ابزارها و روش‌های جنگی است که خطر را کاهش می‌دهد، [هم چنین] راستی آزمایی اهداف[۱۷] و صدور هشدارهای مؤثر قبلی در صورت امکان. گزارش‌ها نشان می‌دهد که عملیات شیر خزان شامل بهره برداری از مهمات هدایت‌شونده دقیق بوده است، اما شواهد محدودی وجود دارد که نشان دهد هشدارهای قبلی به غیرنظامیان در مناطق هدف – به ویژه در مناطق شهری مانند شیراز و قم – داده شده است.

در غیاب اطلاعات شفاف در مورد رویه‌های هدف‌گیری و اینکه چه تلاش‌های اسرائیل برای کاهش خطر انجام داده، ارزیابی رعایت این هشدارها دشوار است. با این حال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل[۱۸] خاطرنشان کردند که حملات مکرر به مناطق غیرنظامی پرجمعیت یا نشان دهنده عدم رعایت اقدامات احتیاطی یا بی‌توجهی عمدی[اسرائیل] است.

جنایات جنگی احتمالی

ادعاهای مربوط به[ارتکاب] جنایات جنگی در رابطه با حمله به بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های غیرنظامی مطرح شده است. اگر ثابت شود که اهداف غیرنظامی عمداً هدف قرار گرفته‌اند یا از نیروی نامتناسبی علیرغم آسیب قابل پیش‌بینی به غیرنظامیان استفاده شده است، این اقدامات ممکن است به عنوان نقض جدی کنوانسیون‌های ژنو شناخته شوند [که در این صورت عنوان جنایت جنگی پیدا می کنند]. مستندات این حوادث توسط نهادهای نظارتی

۱۷. Verifying targets
۱۸. UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)

بین‌المللی در حال جمع‌آوری است و سازمان‌های حقوق بشری خواستار تحقیقات بی‌طرفانه تحت نظارت سازمان ملل شده‌اند.

به نظر می‌رسد که انجام خصومت‌ها در طول عملیات شیر خیزان، چندین اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض می‌کند. با افزایش شواهد/ مستندات معتبر، پیامدهای حقوقی ممکن است فراتر از محکومیت دیپلماتیک به پاسخگویی احتمالی بین‌المللی برای مسئولان[ارتکاب جنایت بین المللی] گسترش یابد.

پاسخ کشورها و واکنش‌های بین‌المللی

پیامدهای حقوقی و ژئوپلیتیکی عملیات شیر خیزان، واکنش‌های سریع و متنوعی را از سوی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوقی برانگیخته است. این واکنش‌ها نه تنها روایت پیرامون قانونی بودن این عملیات را شکل می‌دهند، بلکه بر پیامدهای بلندمدت آن برای صلح و امنیت بین‌المللی نیز تأثیر می‌گذارند. این بخش[مقاله] ، پیامدهای دیپلماتیک، حقوقی و سیاسی را از طریق سه زاویه اصلی ارزیابی می‌کند: ادعاهای دفاعی ایران، واکنش جهانی و پیامدهای آن برای حکمرانی هسته‌ای.

ادعاهای دفاعی ایران و توجیه حقوقی

بلافاصله پس از حملات اسرائیل، ایران نامه‌ای رسمی به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرد و به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل استناد کرد. تهران استدلال کرد که حملات موشکی‌اش علیه تأسیسات نظامی اسرائیل، اقدامی برای دفاع از خود بوده است. از دیدگاه ایران، مقیاس و زمان‌بندی «عملیات شیر خیزان» مصداق بارز تجاوز محسوب می‌شد و هیچ گزینه‌ای جز واکنش[مسلحانه] برای حفظ حاکمیت ملی[ایران] باقی نمی‌گذاشت.

روایت ایران بر این نکته تأکید داشت که اقدامات تلافی‌جویانه‌اش دقیق بوده و صرفاً اهداف نظامی را نشانه گرفته و از مناطق پرجمعیت غیرنظامی دوری گزیده است. مقامات ایرانی همچنین خواستار تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شدند و ضمن تأکید بر لزوم محکومیت بین‌المللی اسرائیل، پیشنهاد تصویب قطعنامه‌ای را برای تأکید مجدد بر ممنوعیت حملات یک‌جانبه طبق حقوق بین‌الملل مطرح کردند.

واکنش‌های دیپلماتیک جهانی

محکومیت شدید

کشورهای متعددی، از جمله اعضای جنبش عدم تعهد، اتحادیه اروپا و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ترکیه و آفریقای جنوبی، اقدامات اسرائیل را به عنوان نقض منشور سازمان ملل متحد محکوم کردند. دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور بیانیه‌ای عمومی، تعهدات تمامی طرف‌ها را در چارچوب اصول حقوقی مجموعه موازین«حقوق ناظر به توسل به زور »و «حقوق حاکم بر رفتار در مخاصمات» یادآور شد. استرالیا، ایرلند و برزیل نیز ضمن هم‌صدا شدن با درخواست‌ها برای خویشتنداری، بر اهمیت چندجانبه‌گرایی در حل‌وفصل مناقشات تأکید کردند.

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نسبت به «آسیب گسترده به غیرنظامیان و احتمال ارتکاب جنایات جنگی» ابراز نگرانی کرد. هم‌زمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران خواستار انجام تحقیقات مستقل درباره تخریب بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های غیرنظامی شد.

واکنش‌های ایالات متحده و متحدان

ایالات متحده موضعی بی‌طرفانه و در عین حال محتاطانه اتخاذ کرد.[۱۹]دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین که در ژانویه ۲۰۲۵ به قدرت بازگشت، از طرفین خواست تا از تنش‌ها بکاهند، اما از تأیید آشکار اقدامات اسرائیل خودداری ورزید. عدم حمایت مستقیم آمریکا، انتقاد مقامات اسرائیلی را برانگیخت، اما در عین حال بازتاب‌دهنده نگرانی واشنگتن از کشیده شدن به یک درگیری منطقه‌ای دیگر بود. ناتو نیز با صدور بیانیه‌ای کوتاه، ضمن به رسمیت شناختن حق اسرائیل برای برخورداری از امنیت، بر اهمیت رعایت اصل تناسب و حفاظت از غیرنظامیان تأکید کرد.

بی‌ثباتی منطقه‌ای

اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی با برگزاری نشست‌های اضطراری، این عملیات را «بدعتی خطرناک» خواندند که می‌تواند ثبات منطقه را به خطر بیندازد. عراق، سوریه و لبنان ضمن محکوم کردن این حملات، نسبت به

[۱۹] . یادآوری می کند که نوشتار حاضر زمانی ارائه شده که هنوز ترامپ به صورت علنی به اسرائیل در تجاوزعلیه ایران ملحق نشده بود و پشتیبانی های مختلف را بدون اعلان رسمی مشارکت در جنگ انجام می داد اما پس از اینکه آمریکا نیز به کمک اسرائیل آمد و با بمباران مراکز هسته ای ایران مستقیما در تجاوز وارد گردید، همین نویسنده طی نوشتار دیگری عملکرد دولت آمریکا را مورد نقد و بررسی قرار داد که آن نوشته هم در امور پژوهشی کمیسیون به فارسی برگردان و در دسترس عموم قرارگرفته است. موضعگیری که در این نوشتار از دولت آمریکا ذکر شده اوج فریبکاری و تزویر را نمایان می سازد چرا که قبل از این تجاوز به ایران، مذاکرات بین ایران و آمریکا در جریان بود و ادعا می‌شد که به زودی به نتیجه می رسد اما بعد از تجاوز معلوم گردید که متجاوزان از قبل برنامه ریزی کرده و برای این جنایت آماده شده بودند و هر یک نقش مشخصی داشتند.(توضیح افزوده بر متن)

خطر تشدید گسترده‌تر درگیری‌های نظامی هشدار دادند. چندین کشور عضو شورای همکاری خلیج [فارس] نیز نسبت به احتمال انحراف مذاکرات جاری در خصوص عدم اشاعه تسلیحات و کنترل تسلیحات در منطقه بر اثر این حمله، ابراز نگرانی کردند.

پیامدها برای حکمرانی هسته‌ای[۲۰] و هنجارهای بین‌المللی

اسرائیل به‌طور گسترده به عنوان یک قدرت هسته‌ای بالفعل شناخته می‌شود، اما همچنان خارج از دایره شمول «معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای»(ان پی تی)[۲۱] قرار دارد. این وضعیت، در کنار اقدام نظامی علیه ایران - که از امضاکنندگان معاهده مذکور است - بحث‌ها را پیرامون استانداردهای دوگانه هسته‌ای و مشروعیت اقدامات نظامی یک‌جانبه با هدف مهار اشاعه تسلیحات، دوباره داغ کرده است.

منتقدان استدلال می‌کنند که «عملیات شیرِ خیزان» اقتدار نهادهای بین‌المللی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی[۲۲] را تضعیف می‌کند. در زمان وقوع این حمله، ایران همچنان درگیر مذاکراتی بود که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جریان داشت. تخریب تأسیسات هسته‌ایِ تحت بازرسی، این خطر را به همراه دارد که مأموریت آژانس سیاسی شود و دولت‌ها را از همکاری با سازوکارهای پادمانی بین‌المللی در آینده دلسرد سازد.

درخواست‌هایی از سوی نهادهای گوناگون- از جمله مراکز دانشگاهی و سازمان‌های جامعه مدنی- برای انجام تحقیقاتی به رهبری سازمان ملل متحد درباره تأثیر این حملات بر رژیم جهانی منع گسترش تسلیحات مطرح شده است. کارشناسان حقوقی بر این باورند که این عملیات می‌تواند رویه‌ای خطرناک برای انجام حملات پیش‌گیرانه[۲۳] تحت پوشش دفاع مشروع ایجاد کند و ثبات هنجارهای حقوقی بین‌المللی را تضعیف نماید.

واکنش گسترده و عمدتاً انتقادی جامعه جهانی به «عملیات شیرخیزان»، ماهیت بحث‌برانگیز آن را از منظر حقوق بین‌الملل برجسته می‌سازد. فقدان مجوز سازمان ملل، آسیب‌های گسترده به غیرنظامیان و ماهیت پیش‌دستانه حمله، اسرائیل را در موقعیت حقوقی دشوار و متزلزلی قرار داده است. این تحولات بر ضرورت مبرمِ وجود سازوکارهای اجرایی شفاف‌تر و راهبردهای دیپلماتیک برای مدیریت بحران‌های آتی با ابعاد مشابه تأکید دارند.

رویه‌های حقوقی و پیامدهای آتی

۲۰: Nuclear Governance
۲۱: The Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT)
۲۲: The International Atomic Energy Agency (IAEA)
۲۳: Preventive attacks

«عملیات شیر خیزان» موجب شکل‌گیری مباحثات حقوقی و سیاسی شده است که فراتر از رویارویی مستقیم میان اسرائیل و ایران می‌رود. نحوه اجرا و پیامدهای این عملیات، بحث‌های دیرینه در حقوق بین‌الملل پیرامون توسل یک‌جانبه به زور، دفاع مشروع پیش‌دستانه و اجرای هنجارهای بین‌المللی را دوباره زنده کرده است. این بخش[مقاله] به بررسی نمونه‌های تاریخی مشابه، فرسایش احتمالی استانداردهای حقوقی و پیامدهای گسترده‌تر آن برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌پردازد.

مقایسه‌های تاریخی: دکترین بگین و حملات پیش‌گیرانه

عملیات سال ۲۰۲۵ اسرائیل، یادآور حمله هوایی سال ۱۹۸۱ این کشور به راکتور هسته‌ای «اوسیراک» در عراق است که به نام «عملیات اُپرا»[۲۴]شناخته می‌شود. در آن زمان، اسرائیل این اقدام را با [ادعای] جلوگیری از دستیابی صدام حسین به سلاح‌های هسته‌ای ضروری دانست. واکنش جهانی[در مورد این اقدام] به شدت منفی بود و شورای امنیت سازمان ملل متحد با اتفاق آرا این حمله را محکوم کرد (قطعنامه ۴۸۷) و آن را نقض حقوق بین‌الملل اعلام نمود.

صاحب‌نظران حقوقی اغلب از «عملیات اُپرا» به عنوان سرآغاز «دکترین بگین» یاد می‌کنند؛ سیاستی یک‌جانبه مبنی بر اقدام نظامی پیش‌گیرانه علیه تهدیدات حیاتی (وجودی)، به‌ویژه برنامه‌های هسته‌ای. به نظر می‌رسد «عملیات شیر خیزان» نسخه‌ای به‌روزرسانی‌شده از این دکترین باشد که زیر عنوان «بقای ملی»[۲۵]، زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را هدف قرار داده است. با این حال، برخلاف سال ۱۹۸۱، حمله سال ۲۰۲۵ در شرایطی صورت گرفت که نظارت‌های دیپلماتیک فعال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جریان بود؛ امری که توجیه حمله اسرائیل را بر اساس استانداردهای حقوقی معاصر پیچیده می‌سازد.

تضعیف چارچوب منشور سازمان ملل متحد

منشور سازمان ملل متحد محدود سازی استفاده یکجانبه از زور و تشویق امنیت جمعی از طریق شورای امنیت را تثبیت کرد. با دور زدن شورا و اقدام بدون تأیید بین‌المللی، اقدامات اسرائیل - در صورت عدم اعتراض - ممکن است سابقه‌ای برای مجاز بودن جنگ‌های پیش دستانه ایجاد کند. کارشناسان حقوقی هشدار می‌دهند که این امر خطر تضعیف تدریجی اقتدار منشور و افزایش اقدام نظامی دولت علیه دولت بدون عواقب را به همراه دارد.

[۲۴]: Operation Opera
[۲۵]: National survival

اگر کشورها به این باور برسند که دفاع از خودِ پیش دستانه، حمله قبل از وقوع یک حمله واقعی را توجیه می‌کند – بدون اینکه با آزمون «قریب‌الوقوع بودن»[و معیارهای سخت آن] مواجه شوند – درگیری‌های آینده ممکن است تحت توجیهات مشابهی شکل بگیرند و اصل بنیادی عدم تجاوز در حقوق بین‌الملل را از بین ببرند.

چالش‌های پاسخگویی و [تضمین] اجرای موازین

در حالی که دولت‌ها و نهادهای حقوقی مختلف این عملیات را محکوم کرده‌اند، [ضمانت] اجرای موازین بین‌المللی همچنان محدود است. دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) در این زمینه صلاحیت رسیدگی به اسرائیل یا ایران را ندارد و فقدان قطعنامه مستقیم شورای امنیت، احتمال پیامدهای الزام‌آور را محدود می‌کند. این بی کیفرمانی، انتقاداتی را مبنی بر اینکه حقوق بین‌الملل به طور یکسان و منسجم اِعمال نمی‌شود، به ویژه هنگامی که مربوط به قدرت‌های هسته‌ای یا متحدان آنها باشد، دامن می‌زند.

سازمان‌های جامعه مدنی و محققان حقوقی از شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیسیون حقوق بین‌الملل خواسته‌اند تا تحقیقاتی را در مورد ارزیابی مبنای قانونی و تأثیر بشردوستانه این عملیات آغاز کنند. با این حال، اراده سیاسی برای پیگیری چنین تحقیقاتی همچنان در ابهام باقی است.

تأثیر بر رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای

عملیات شیر خیزان همچنین ممکن است مشروعیت سیستم حکمرانی هسته‌ای جهانی را تضعیف کند. ایران، به عنوان عضوی از معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی)، در زمان حمله تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. منتقدان استدلال می‌کنند که حمله به کشوری که درگیر فعالیت‌های هسته‌ای تحت نظارت است، انگیزه سایر کشورها برای همکاری با بازرسان هسته‌ای بین‌المللی را کاهش می‌دهد. اگر پایبندی به معاهده مذکور به جای گفتگو با خشونت مواجه شود، قدرت بازدارندگی این معاهده ممکن است از بین برود.

در مقابل، این عملیات ممکن است باعث درخواست‌های مجدد برای ادغام اسرائیل در چارچوب ان پی تی یا حداقل افزایش نظارت بین‌المللی بر زرادخانه‌های هسته‌ای اعلام نشده شود. این امر می‌تواند منجر به بازنگری در ابتکارات خلع سلاح خاورمیانه و احیای بحث‌ها در مورد ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در منطقه شود.

آینده‌های دیپلماتیک و راهبردی

در نهایت، اثرات بلندمدت عملیات شیر خیزان به نحوه واکنش جامعه بین‌المللی بستگی دارد. گزینه‌ها از سرزنش و تحقیقات رسمی گرفته تا میانجیگری دیپلماتیک و تلاش برای احیای مذاکرات چندجانبه عدم اشاعه را شامل می‌شود. اگر این حمله توسط سازوکارهای قانونی رسمی مورد بررسی قرار نگیرد، این سابقه ممکن است اقدامات مشابهی را از سوی سایر کشورهایی که با تهدیدات راهبردی - واقعی یا فرضی - مواجه هستند، تشویق کند.

عملیات شیر خیزان در تقاطع جنگ‌های در حال تحول و هنجارهای شکننده بین‌المللی قرار دارد. این عملیات، ما را مجبور به بررسی چگونگی تعامل قانون/ حقوق، سیاست و امنیت در جهانی می‌کند که در آن کاربرد زور پیش دستانه به طور فزاینده‌ای عادی می‌شود. نظم حقوقی جهانی اکنون با آزمونی حیاتی روبروست: اینکه آیا می‌تواند اصول منشور سازمان ملل متحد را پاس دارد یا در برابر نظامی که بر پایه قدرت، صلاحدید[قدرت‌ها] و یک‌جانبه‌گرایی[۲۶] استوار است، عقب‌نشینی کند.

نتیجه‌گیری

عملیات «شیر خیزان» به نقطه‌ای تعیین‌کننده در روابطِ در حال تحول میان امنیت دولت‌ها، حقوق بین‌الملل و ثبات جهانی بدل شده است. این عملیات که در ژوئن ۲۰۲۵ توسط اسرائیل آغاز شد، پرسش‌های حقوقی و اخلاقی جدی‌ای را هم در خصوص «حقوق ناظر به توسل به زور » و هم در مورد « حقوق حاکم برنحوه رفتار در جریان مخاصمات» مطرح کرده است. توجیه اسرائیل مبنی بر «دفاع مشروع پیش‌دستانه» -آن هم در غیاب شواهد روشن از یک تهدید قریب‌الوقوع از سوی ایران- فراتر از چارچوب‌های پذیرفته‌شده‌ای است که در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی تعیین شده‌اند.

از منظر نحوه اجرا، به نظر می‌رسد **حملات هوایی [اسرائیل] اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله اصول تفکیک،تناسب و احتیاط را نقض کرده‌اند. تلفات غیرنظامی و آسیب به زیرساخت‌های تحت حمایت[موازین حقوق بین الملل بشردوستانه]، وضعیت حقوقی اسرائیل را پیچیده‌تر کرده و موجب محکومیت گسترده بین‌المللی شده است.**

پیامدهای گسترده‌تر این عملیات را نمی‌توان نادیده گرفت. این اقدام خطر تضعیف اقتدار منشور سازمان ملل و اعتبار رژیم منع گسترش تسلیحات را به همراه دارد و می‌تواند رویه‌ای خطرناک ایجاد کند که سایر دولت‌ها را به اقدامات

[۲۶] Power, discretion, and unilateralism

یک‌جانبه به بهانه تأمین امنیت ترغیب نماید. در صورت فقدان سازوکار پاسخگویی شفاف، ممکن است حقوق بین‌الملل بیش از پیش نه به عنوان مجموعه موازین الزام‌آور، بلکه به عنوان امری اختیاری تلقی شود.

بنابراین، عملیات «شیر خیزان» نه تنها تشدید تنش‌های نظامی منطقه‌ای، بلکه آزمونی حیاتی برای نظم حقوقی جهانی محسوب می‌شود. اینکه جامعه بین‌المللی با اقداماتی قاطع در عرصه‌های حقوقی و دیپلماتیک واکنش نشان دهد و یا اجازه دهد ابهام حقوقی و بی کیفرمانی [عوامل جنایات] تداوم یابد، تعیین‌کننده آینده رفتار دولت‌ها، نحوه حل‌وفصل مناقشات و اعتبار خودِ حقوق بین‌الملل خواهد بود.